

جایگاه بوشهر در روابط اقتصادی و سیاسی فرانسه و ایران در حوزه خلیج فارس از بدو افتتاح نایب کنسولی فرانسه تا پایان سلسله قاجار ۱۸۸۸ تا ۱۹۲۵

آسیه غفوریان

مقدمه

در این نوشتار تنها آخرین دوره حکومت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) مورد مطالعه قرار گرفته است، زمانی که او به جای توجه به منافع ملی و سیاست خارجی کشور، بیشتر به سفرهای خود به اروپا^۱ و سرگرمی‌هایش اهمیت می‌داد. در دورانی که در غیاب وی نیز، امین‌السلطان صدراعظم او برخلاف سیاست خارجی شاه ناظر بر استفاده از نوعی رابطه با انگلیسی‌ها برای ایجاد توازن در روابط با روس‌ها، کاملاً با سیاست انگلستان همراه شده و به منظور کسب قدرت بیشتر، از هیچ کمکی به آنها دریغ نوزید. امین‌السلطان در این زمان، همه چیز، حتی منافع ملی را قربانی امیال خویش کرد. در دوران مذکور، هزینه سفرهای شاه به گونه‌ای صندوق دولت را خالی می‌کرد که به اجبار قروضی از بانک‌های انگلیسی و روسی را به کشور تحمیل کرد و به تبع چنین تحمیلاتی، امتیازهای متفاوتی به آنها واگذار شد. برای نمونه می‌توان به امتیاز رویترا اشاره کرد که تحت عنوان پرداخت مخارج راه‌اندازی راه آهن، مالکیت زمین‌ها و معادنی که در مسیر راه آهن قرار داشت،

به آنها واگذار شد. بر این اساس مشاهده می‌شود که نه تنها اقتصاد ایران تحت تأثیر روابط خارجی، شرایط سختی را متحمل شد، بلکه در نگاهی وسیع‌تر، در مجموع، سیاست‌های این کشورها حلقوم ایران را به سختی فشرد و کشور را تحت مهمیز خود درآورد.

در گذار از چنین پیشینه‌ای، دوران مشروطه نه تنها افق نوینی بر سیاست داخلی ایران گشود، بلکه تأثیر بلامنازع آن بر روابط خارجی هم به روشنی مشهود گشت. زمانی که منافع مالی و اقتصادی برخی از افراد دولت و اشراف با منافع انگلیسی‌ها یا روس‌ها به هم گره خورد، به یمن آزادی‌های نورسیده دوران مشروطیت همچون آزادی مطبوعات و آزادی بیان نمایندگان مجلس، حضور افراد خارجی در داد و ستدهای داخلی به‌طور آشکارا مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

از نیمه دوم قرن نوزدهم، تمایل اکثر ایرانی‌ها به مدرنیزه کردن کشور منشأ تحولاتی چون فرستادن دانشجویان به خارج از کشور برای فراگیری تکنولوژی نوین شد. از سوی دیگر متخصصین علاوه بر پیشبرد برنامه‌های تحت نظر خود، موظف به آموزش جوانان در رشته‌های گوناگون گردیدند.

گمرک با شاخصه‌های نوین پایه‌گذاری و مدیریت آن به بلژیکی‌ها سپرده شد. دفتر مرکزی گمرک ایران در تهران و دفاتر دیگر آن در بنادر و شهرهای مرزی که ورود و خروج کالاها از آنجا صورت می‌پذیرفت، به کار مشغول می‌شد. البته در این میان، دفاتر گمرکی خلیج فارس تحت نظر گمرک بوشهر اداره می‌شد.

در همین دوران؛ افسران سوئدی به ایجاد ژاندارمری نوین در مناطق جنوبی ایران پرداخته و در شیراز افسران ایرانی را آموزش می‌دادند.

بوشهر یکی از بنادر آن روز ایران در خلیج فارس است که با وجود ارتباط مهمی که با شیراز داشت به لحاظ جغرافیایی به‌علت وجود رشته کوه‌های زاگرس که این دو منطقه را از هم جدا می‌کند؛ ترابری بین این دو شهر دشوار بود. اکثر مردم این منطقه را عشایر گوناگونی تشکیل می‌دادند که با وجود داشتن قدرت، اما همچنان اختلافات و جدال میان آنها قابل مهار نیست. از آنجائی که منطقه بوشهر در راه ارتباطی بمبئی، مسقط و بصره قرار گرفته است برای تجار اروپایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.



ایران به دو دلیل موجه مورد توجه هندوستان تحت سلطه استعمار انگلیس قرار داشت. موقعیت جغرافیایی ایران به‌عنوان منطقه‌ای خشتی در مقابل روسیه و دیگر کشورهای اروپایی^۲ برای مناطق شمال‌غربی هند حائز اهمیت بود و از سوی، خاک ایران شاهره اقتصادی مهمی به‌منظور واردات کالاهای انگلیسی به حساب می‌آمد. از این‌رو، انگلیس هیچ‌نوع مشکلات گمرکی و یا موانع عبور کالا از ایران را برنمی‌تابید. توجه مطلب حاضر به سیاست انگلیس در ایران در این دوران، از آن روست که این سیاست بیشتر متوجه مناطق جنوبی ایران و بنادر خلیج فارس بود و در فرآیند خود که حفظ اولویت‌ها و منافع بریتانیای کبیر را مد نظر داشت، باعث شد تا دولت ایران را تحت فشار شدید وزارت خارجه انگلیس قرار دهد.

سیاست روسیه مبتنی بر «دستیابی به آب‌های گرم» از طریق ایران است.^۳ بر این اساس، در اواخر قرن نوزدهم، روسیه با دستیابی به چند ناحیه شمالی ایران از طریق تحمیل قرارداد ترکمنچای، برای پیشروی به نواحی دیگر نیز تلاش کرد. مناطق شمال ایران به مرور زمان، بیش از پیش مورد توجه روسیه قرار گرفت و در موارد گوناگون، از لحاظ اقتصادی، مالی و یا سیاسی، روسیه در رقابت با انگلیس، به مداخله در سیاست داخلی ایران نیز پرداخت.

رقابت روسیه و انگلیس در ایران اختلافاتی را میان این دو موجب شد، اما منافع آنها متضمن راه حلی بر این اختلافات بود. از این‌رو، به مدت دو سال نمایندگان این دو کشور مذاکراتی را در دستور کار خود قرار دادند که نتیجه آن در ۳۱ آگوست ۱۹۰۷ قراردادی دوجانبه بود که به امضای نمایندگان عالی‌رتبه دو طرف انجامید.

بخش دیگر این پژوهش به منافع فرانسه در خلیج فارس از طریق نیابت کنسولی این کشور در بوشهر اختصاص یافت. در این باره کنکاش حاضر، دوره‌ای را مورد توجه قرار داد که از نقطه نظر تاریخی برخی تحولات در پیشرفت منافع اقتصادی فرانسه نقش مهمی ایفا نمود. این دوره از سال ۱۸۸۹، زمان افتتاح نایب کنسولی فرانسه در بوشهر آغاز شد، اما تا پایان فعالیت این نایب کنسولی پیش نرفت.^۴ علل مهمی که باعث افتتاح نایب کنسولی فرانسه در ایران شد پیش از پایان فعالیت آن در واقع اهمیت خود را از دست داده‌اند. با این وجود رویدادی سیاسی که تاریخ پایانی

این پژوهش را رقم می‌زند جنگ جهانی اول و نتایج آن است که باعث از میان رفتن نقش نایب کنسولی فرانسه در ایران شد.

منافع فرانسه در این دوران تابع تحولات و رویدادهای سیاسی در ایران و اروپا بود و بر همین اساس نیز متحول شد و تغییر کرد. بر این اساس اهدافی که در بدو افتتاح این نایب کنسولی پی‌گیری شد، الزاماً همان اهدافی نیست که پس از آن توسط نمایندگان یا نایب کنسول‌ها در این منطقه مورد توجه و پی‌گیری قرار گرفت.

در ابتدا فرانسه در پی افزایش و رشد مناسبات و روابط اقتصادی خود در منطقه، به افتتاح نایب کنسولی خود پرداخت. این نمایندگی در واقع محافظت از بازرگانان فرانسوی و همچنین رشد و پیشرفت روابط اقتصادی با مناطق جنوبی ایران و ایجاد بازار برای کالاهای فرانسوی را در دستور کار خود قرار داد. در این دوران، تا سال ۱۹۰۷ هدف اصلی فرانسه مبتنی بر دستیابی و ایجاد جایگاهی اقتصادی برای روابط بازرگانی در برابر رقیبان خود، انگلیس، روسیه و آلمان در بازار خلیج فارس است. اما از این تاریخ مرحله نوینی برای دیپلماسی فرانسه در منطقه آغاز شده و اهداف سیاسی بر اهداف اقتصادی ارجحیت یافت. در دوران گفتگوهای انگلیس و روسیه در ۱۹۰۷، فرانسه نقش رابط و دیپلماتیک در این میان ایفا کرد و اهداف اقتصادی این کشور در این دوره تقریباً رنگ باخت. بر این اساس، هدف این بررسی در این دوران، بر فرایند مجموعه روابط فرانسه با دیگر کشورهای فعال در منطقه متمرکز شده و از سویی مناسبات این کشور با ایران را مورد توجه قرار داده است.

بدین منظور تحقیقات در اسناد گوناگونی ضرورت یافت، که با اسناد وزارت امور خارجه در پاریس و نانت آغاز گردید. پرونده‌های شخصی و مراسلات بازرگانی و سیاسی، امکان استخراج بخشی از اطلاعات مورد نظر این پژوهش را فراهم آوردند، هر چند که غنای آنها به میزان فعال بودن کنسول یا نمایندگان فرانسه در منطقه در آن زمان بستگی داشت. همچنین استخراج اسنادی از سازمان اسناد ملی ایران و مرکز بوشهرشناسی هم به غنای این بررسی افزود. از آنجا که تاکنون پژوهشی آکادمیک در مورد حضور فرانسه در خلیج فارس صورت نپذیرفته است، این پژوهش از منابع عمومی بهره‌جسته و همچنین اسنادی که حضور انگلیس و



روابط اقتصادی و سیاسی آن را در ایران بررسی کرده را مورد مطالعه قرار داده تا مواردی مربوط به روابط فرانسه با ایران را استخراج کند.

همان‌طور که اشاره شد، جایگاه ژئوپلیتیک فرانسه در منطقه از سال ۱۹۰۷ تغییر کرد. بر این اساس، نخست در بخش اول اقدامات فرانسه به‌منظور راهیابی به خلیج فارس و افتتاح نایب کنسولی‌اش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تشریح منافع اقتصادی که نظر بازرگانان فرانسوی و دولت فرانسه را به این منطقه جلب کرده و سپس بررسی ترازنامه کالایی بین ایران و فرانسه در بندر بوشهر به‌منظور آشنایی با کالاهای مبادله شده و اهمیت آنها در این دوره زمانی محورهای اصلی این بخش را تشکیل می‌دهند. در همین راستا، فعالیت‌های بازرگانی و رقابت‌های موجود بین تجار فرانسوی و دیپلمات‌های دولت فرانسه با بازرگانان و نمایندگان دیگر کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. حضور دیگر قدرت‌های اروپایی در منطقه پیش از ورود فرانسویان و کشمکش‌های محلی در این دوره که موقعیت فرانسه را در شرایطی دشوار قرار داده بود از دیگر نکات بخش نخست خواهد بود.

در بخش دوم، جایگاه فرانسه پس از انعقاد قرارداد بین نمایندگان انگلیس و روسیه مورد توجه قرار خواهد گرفت تا از این‌رو به تأثیرات چنین قراردادی بر مبادلات بازرگانی فرانسه پی ببریم. قابل توجه آنکه در این رابطه، فرانسه برای به ثمر رساندن این قرارداد بین دو قدرت نقش ایفا کرده و در موارد بازرگانی و اقتصادی منافی را نیز از دست داد. بر این اساس، سیاست فرانسه در قبال بازرگانان و همراهان اقتصادی خود دچار دگرگونی شده که در این بخش بدان خواهیم پرداخت. در نهایت، تغییر و تحولات در مناسبات فی مابین متحدان فرانسه و روابط نمایندگان و بازرگانان فرانسوی با همکاران پیشین خود در دیگر کشورها در این رابطه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدیهی است که در هر دو بخش، مطالعه جایگاه ایران و نقش آن از اهمیت به‌سزائی برخوردار بوده که مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- اهداف استراتژیک فرانسه با استقرار در بوشهر و حوزه خلیج فارس

- اهداف سیاسی، تأسیس نایب کنسولگری فرانسه

گزارش‌های رسیده از بغداد در سال‌های پس از ۱۸۷۴ بیانگر این موضوع است که تأسیس نایب کنسولگری فرانسه در خلیج فارس حمایت‌ها و مخالفت‌هایی را در میان سیاستمداران و دریانوردان در پی داشت. نماینده دولت فرانسه در بغداد به‌عنوان فردی آگاه نسبت به موقعیت منطقه خلیج فارس، در سال ۱۸۷۴ پیشنهاد تأسیس خط کشتیرانی بین بندر مارسی و بصره را به دولت فرانسه ارائه داد، که از بنادر مسقط، بوشهر و بصره بگذرد، امری که دولت انگلیس پیش از آن، آن را به انجام رسانده بود.^۵ در سال ۱۸۷۵، برادران مالکم مجدداً خواستار برپایی کنسولگری فرانسه در شهر بوشهر شدند. اما به‌نظر برخی از فرانسویان روابط بازرگانی برای گشایش این کنسولگری هنوز به اندازه کافی گسترش نیافته و اضافه بر آن تعیین نماینده رسمی فرانسه در آنجا کار آسانی به‌نظر نمی‌رسید. برای نمونه، برادران ملکم سال‌ها پیگیر مرادوات بازرگانی فرانسه در خلیج فارس بودند اما نزدیکی آنها به انگلیسی‌ها مانع سپردن پست مدیریت کنسولگری به آنها می‌شد. چنین مشکلاتی باعث شد تا به مدت چهار سال منافع کشور فرانسه در بوشهر و مسقط بر عهده کوم هلندی که ساکن آنجا بود، واگذار شود.^۶ وجود مشکلات یاد شده و کمبودهای متعدد در زمینه انتقال و پخش کالا مانع گسترش رو به رشد بازرگانی فرانسه در منطقه نگشته و همان‌طور که در بخش‌های پیش رو بدان اشاره خواهد شد، تلاش‌های فراوانی نیز برای بهبود موقعیت اقتصادی فرانسه در منطقه صورت پذیرفت.

در سال ۱۸۵۴ بارون دُ مرتانس، در کتاب خود به‌عنوان راهنمای دیپلماتیک، توضیحاتی درباره صلاح و منفعت فرانسه در داشتن نایب کنسولی می‌دهد و نقشی که می‌تواند در ایجاد روابط بازرگانی و دریانوردی داشته باشد را متذکر می‌شود، ولی در عین حال گوشزد می‌کند که فرانسویان نمی‌بایست در روابط سیاسی و بین‌المللی دخالت داشته باشند. به عبارتی از دیدگاه او کنسول بیشتر نماینده بازرگانان است و باید در چنین حوزه‌ای نیز از تخصص و اطلاعات لازم برخوردار باشد.^۷ در همان کتاب در مورد رده‌بندی نمایندگان و کنسول‌ها مطالبی یافت می‌شود که برای پی بردن به جایگاه و یا رده کاری اشخاص در بخش‌های آینده مورد استفاده قرار گرفته شد.



یکی از موارد مهمی که وی در کتابش متذکر شده این موضوع است که کنسول (هنگام انجام وظیفه در کشورهای مسلمان‌نشین) نه تنها در مورد تجار، بلکه در مورد ملوانان و یا هر شخص هموطن او نیز می‌تواند قضاوت کند و در این باره حتی موظف است تا به سفارت فرانسه در آن کشور گزارش کتبی ارائه دهد. این گزارش‌ها برای پژوهشی که در پیش داریم مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

سال‌های متمادی بازرگانی کالاهای فرانسوی تحت نظارت دیگر کشورهای اروپایی، مانند هلند یا انگلستان، در منطقه انجام می‌گرفت و در نتیجه به علت وجود واسطه‌ها در مبادلات بازرگانی مشکلاتی را نیز در رقابت و ارائه قیمت کالای فرانسوی نسبت به بهای کالاهای دیگر کشورها که بدون واسطه در بازار منطقه حضور داشتند بیار می‌آورد. در نهایت پس از مدت زمانی نسبتاً طولانی، در دسامبر سال ۱۸۸۸، کنسولگری فرانسه در شهر بوشهر گشایش یافت و «پیا»^۸ نایب کنسول سابق فرانسه در بصره به‌عنوان اولین نایب کنسول فرانسه در بوشهر مشغول کار شد و تا سال ۱۸۹۳ در این سمت انجام وظیفه کرد. از آنجا که علت اصلی افتتاح کنسولگری فرانسه در بوشهر جنبه اقتصادی داشت این مسئله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- منافع اقتصادی فرانسه

مدت مدیدی است که فرانسه در پی ایجاد پایگاهی در خلیج فارس است. برای رسیدن به این هدف مشکلات زیادی را نیز پیش رو داشته است. در این باره می‌توان به کم‌تجربگی فرانسویان در منطقه و مهم‌تر از آن، رقیب بسیار هشیاره همچون انگلیس که از مدت‌ها پیش در خلیج فارس از پایگاهی برخوردار است اشاره نمود.

به‌نظر بری^۹، پس از انقلاب کبیر، استراتژی فرانسه، بر محور برقراری روابط «تساهل و تأثیرگذاری مسالمت‌آمیز در شرق» استوار شد. در این راستا بود که نمایندگانی همچون آلیویه (Olivier) یا بروگییر (Bruguière) به سواحل ایرانی خلیج فارس فرستاده شدند. تلاش‌ها و برنامه‌های این دو باعث شد تا دولت انگلیس توسط مأمور وقت خود در بوشهر کوشش‌ها و رفت و آمد نمایندگان فرانسوی را تحت نظر داشته و تلاش کند در صورت امکان موانعی در



برابر فعالیت‌های آنها ایجاد کند.^{۱۰} با این وجود، نمایندگانی از سوی دولت فرانسه در سال‌های ۱۸۰۲ و ۱۸۰۴ به ایران فرستاده شدند تا شاه ایران را با برنامه امپراتور فرانسه آشنا سازند.^{۱۱}

در قرن نوزدهم کشتیرانی انگلیس دو بار در ماه راه بمبئی و بصره را می‌پیمودند و در راه از بنادر ایرانی و عربی خلیج فارس نیز دیدار می‌کردند. سفیر فرانسه در بغداد که فعالیت‌ها و تلاش‌های انگلیس در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی را زیر نظر دارد، از دولت خود می‌خواهد تا برای بررسی دقیق‌تر منافع فرانسه نمایندگانی را به این منطقه بفرستد. در سال ۱۸۶۸ وزارت کشاورزی و بازرگانی فرانسه یکی از کارشناسان خود به نام سیکارد^{۱۲} را برای مأموریتی به مناطق آسیای میانه و خلیج فارس می‌فرستد. سیکارد هم همان نتایج سفیر فرانسه در بغداد را گزارش کرده و از انگلیسی‌ها به عنوان رهبر بلامنازع منطقه نام می‌برد.^{۱۳} زمانی که سیکارد به بوشهر می‌رسد به دلیل فقدان نمایندگی فرانسه در این منطقه از سوی کنسولگری انگلیس مورد استقبال قرار می‌گیرد. گزارش سیکارد در مورد وضعیت بوشهر و ساکنان بومی و خارجی آن و همچنین اداره منطقه توسط ایرانیان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این گزارش به چشم می‌خورد، احاطه و اشراف همه جانبه انگلیسی‌ها بر خلیج فارس و به ویژه برخورداری از پادگانی است که در آن بیشتر سیبای‌ها (سربازان هندی تحت فرماندهی انگلیسیان) دوره سربازی خود را می‌گذرانند. نکته دیگری که می‌بایست درباره نقش انگلیسی‌ها در منطقه به آن اشاره کرد، آرامش خاطر است که حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس برای اروپایی‌هایی که به آنجا سفر می‌کردند، ایجاد کرد.

اسناد دیگری که در این تحقیق بدان اشاره شده، نظر نویسندگان و گزارشگرانی است که درباره مزایا و حتی ضرورت حضور فرانسویان در منطقه خلیج فارس سخن به میان آورده و به موضوع ارسال نماینده، بهبود و پیشرفت روابط اقتصادی و بازرگانی فرانسویان در این منطقه پرداخته‌اند. بوژین^{۱۴} سفیر فرانسه در بغداد در سال ۱۸۶۹، از وفور کالای انگلیسی سخن می‌گوید که با وجود کیفیت پایین و قیمت نسبتاً بالای آنها به علت فقدان رقابت و به عنوان تنها کالاهای وارداتی در بازارها توسط مردم خریداری می‌شود. وی در این باره می‌افزاید با توجه به گشایش کانال سوئز، فرانسه می‌تواند کالاهای خود را که از کیفیت بالاتری برخوردارند سریع‌تر و با قیمتی



پایین‌تر به منطقه صادر کرده، رقیب مناسبی برای انگلیس باشد. افزون بر اینکه در آن شرایط، برخی از کالاهای فرانسوی مانند شکر می‌بایست با کمک انگلیسی‌ها به منطقه ارسال شده و به بازار عرضه می‌گشت. در این رابطه در یکی از اسناد به کشتی فرانسوی "Etienne et Laurence" که در بوشهر با بار شکر لنگر انداخته اشاره شده که به علت فقدان نماینده فرانسوی، کشتی وادار به رجوع به شرکت ارمنی تحت نظر انگلیسی‌ها می‌شود و در نتیجه به علت هزینه‌ای تحمیلی که به اجبار بر این کالا افزوده شده، شکر فرانسوی به‌عنوان گران‌ترین محصول شکر به بازار عرضه شده است.^{۱۵}

از آنجا که شارلیا معتقد است ۶۱٪ کشتیرانی فرانسه تحت پرچم خارجی انجام می‌گرفت^{۱۶} و در نتیجه، تأخیر در ارسال و همچنین گرانی قیمت به زیان کالاهای فرانسوی بود، چندین پیشنهاد ارائه داد. یکی از آنها پیشبرد و گسترش روند کشتی‌سازی فرانسوی است. در سال ۱۸۸۱ قانونی برای کمک به کشتی‌سازان فرانسوی تصویب و باعث تعدد شرکت‌های کشتی‌ساز شد.^{۱۷} این در حالی است که در مورد گشایش کانال سوئز نظرات مخالفی ابراز شد. برخی بر این باور بودند که گشایش آن کاهش رفت و آمد کشتی‌های فرانسوی را در پی داشت و برخی دیگر همچون سیکارد^{۱۸} پیش‌بینی کردند که کالاهای فرانسوی از این طریق به راحتی می‌توانست به خاورمیانه سرازیر شود.^{۱۹}

فرستادگان فرانسوی به خلیج فارس گزارش‌های متفاوتی ارائه داده‌اند و نظر آنها برای تأسیس نمایندگی و تعیین بندری برای مبادلات بازرگانی فرانسه یکسان نیست. به‌طور مثال وویلیه در سال ۱۸۸۴، خرمشهر (محمرة آن روز) را به‌دلیل امکان کشتیرانی بر روی اروندرود (شط‌العرب آن روز) و تسریع در رفت و آمد، برای ارتباط تهران با بوشهر ترجیح می‌داد.^{۲۰}

- در پی بازار جدید در منطقه

شرط اول برای رساندن کالای فرانسوی به خلیج فارس وسیله مناسب ارسال آن است. بر این اساس می‌بایست وضعیت کشتیرانی و تعداد کشتی‌های فرانسوی را بررسی کرد. از سال ۱۸۸۵ کشتی‌هایی که به خلیج فارس عازم بودند از بندر مارسی حرکت می‌کردند؛ همان جایی که

Messagerie Maritime به سمت شرق و اقیانوس هند پیش می‌رفت.^{۲۱} پیش از راه‌اندازی Messagerie Maritime، و به‌خصوص پس از بازگشایی کانال سوئز در سال ۱۸۶۹، کمپانی هند فرانسه^{۲۲} متوجه امکان متصل کردن بندر مارسی به خلیج فارس شد.

تعداد راه‌های بازرگانی که به بوشهر ختم می‌شدند و همچنین تنوع کالاهایی که در آنجا رد و بدل می‌شدند مورد توجه بودند. این راه‌های بازرگانی به چندین دسته تقسیم می‌شدند: راه‌های زمینی که بخش غربی آن از وجود کارون و کشتیرانی بر آن برای تسریع کار استفاده می‌کردند از قدمت بیشتری برخوردار بودند. راه‌های دریایی که بوشهر را به‌عنوان بندر ترانزیت دربرداشتند، کالاهای وارداتی نخست به آنجا و سپس از طریق راه‌های دیگر به اقصی نقاط ایران ارسال و یا از کشتی‌ای به کشتی دیگر منتقل می‌شدند. راه آهن که تازه مورد بهره‌برداری قرار گرفته همان‌طور که در بخش‌های آینده به آن خواهیم پرداخت باعث اختلاف بین کشورهای اروپایی شده بود و هر کدام برای سود بیشتر خواستار تسلط بر خطوط آن در منطقه بودند و در نهایت، راه هوایی را هم می‌توان نام برد که در دوران جنگ جهانی اول در منطقه مورد بهره‌برداری بود. بنابراین جایگاه بندر بوشهر به‌عنوان بندر ترانزیت بین ایران از طرفی و هند، عراق و اروپا از طرف دیگر شایان اهمیت استراتژیک بود.^{۲۳} این در حالی است که رود کارون را در سال ۱۸۸۸ برای کشتیرانی افتتاح کرده و از آن پس رفت و آمد به داخل ایران با سرعت بیشتری انجام می‌گرفت. اگرچه نفع اولیه از این گشایش از آن انگلیسی‌ها بود، اما فرانسوی‌ها نیز نماینده‌ای برای بررسی اوضاع منطقه فرستاده و همچون دیگر اروپاییان از این گشایش بهره خود را می‌بردند.^{۲۴} گزارشی از نایب کنسول فرانسه در بوشهر، بلووا^{۲۵} به مزایا و اهمیت کشتیرانی بر روی رود کارون اشاره داشته و به این موضوع که از آن پس شهر اهواز تبدیل به محل تبادل کالا می‌شود نیز می‌پردازد.^{۲۶}

– ترازنامه اقتصادی فرانسه در بوشهر، واردات و صادرات

در اینجا به اقدامات ایران و فرانسه به‌منظور بهبود روابط بازرگانی و وضعیت نیروی دریایی دو کشور می‌پردازیم.



تعداد کشتی‌های نیروی دریایی ایران آنچنان چشم‌گیر نیست. برای نمونه، مخبرالسلطنه از درخواست یک فروند کشتی از آلمان در زمان ناصرالدین شاه خبر می‌دهد. این کشتی، که نام آن را «پرسپولیس» نهادند و در سال ۱۸۸۷ به ایران تحویل داده شد، برای دریانوردی در خلیج فارس در نظر گرفته شد و مورد استفاده نظامی و بازرگانی قرار گرفت.^{۲۷} یازده سال پس از این تاریخ، امین السلطان کشتی دیگری از هلند خریداری کرد که نام آن را در آغاز «زلیخا» و سپس «پاسارگاد» نهادند.^{۲۸} اما در دوران احمد شاه و مشروطیت توجه به کشتیرانی از این هم کمتر شد و نه تنها خرید جدیدی انجام نگرفت، بلکه کشتی‌های موجود هم به فراموشی سپرده شدند.^{۲۹} اما دعوی قدرت ایران و انگلیس در خلیج فارس و مسئله بحرین رقابت بین آنها را به گونه‌ای تشدید بخشید که ایران از فرانسه درخواست کشتی کرد.^{۳۰} مذاکره‌ها به‌طور موازی در اسناد ایران و فرانسه درج شده‌اند، به‌خصوص در اسناد سال‌های ۷۰- ۱۸۶۹ که نماینده فرانسه در تهران، دُبونیر^{۳۱}، از هدف شاه در پایه‌ریزی نیروی دریایی ایران خبر داد.^{۳۲} شاه همراه با درخواست خرید کشتی، خواستار ارسال ملوانان و افسرانی از نیروی دریایی فرانسه شد تا در ایران به ایرانیان آموزش دهند. این درخواست باعث گشایش راهی برای ورود فرانسویان به حوزه خلیج فارس گردید. اما همزمان هلندی‌ها که در منطقه از پیش پایگاه و تجربه بیشتری دارند جایگاه آنها را تهدید کردند. دولت فرانسه برای رد درخواست شاه عجله نکرد و به او پیشنهاد رجوع به شرکت‌های خصوصی را داد.^{۳۳}

اسناد نشانگر آن هستند که پیش از گشایش نایب کنسولگری فرانسه در بوشهر، روابطی بین دو کشور شکل گرفته و گزارش‌های متعددی از این روابط و منافع که فرانسه از پیشبرد آنها در خلیج فارس دنبال می‌کرده سخن می‌رانند.^{۳۴}

– کالاهای صادراتی منطقه، به‌ویژه به سمت فرانسه

براساس مدارکی که در دست است و به مبادلات بازرگانی اشاره دارند، تعداد کالاهایی که از خلیج فارس و از طریق بندر بوشهر به بنادر فرانسه فرستاده شد، بیش از پانزده رقم است. در بین آنها می‌توان از کتان، انگم یا صمغ، اسب و قاطر، خرما، تریاک، مروارید و غله نام برد. در یکی از

اولین اسناد مربوط به کالاهای صادراتی ایران به راه دریایی و انتقال آنها از طریق خلیج فارس اشاره شده است.^{۳۵} از بین کالاهای نامبرده تریاک بالاترین درصد را به خود اختصاص داد که بیشتر به چین فرستاده می‌شد. شرکت "Hotz and Sons" که دفتر آن در بوشهر بود، مسئولیت جمع‌آوری و ارسال تریاک به چین را بر عهده داشت. نمایندگی‌های این شرکت از مناطق کشت آن، که بخش اعظم آن در خراسان بوده، تریاک را به بوشهر می‌فرستادند. تقریباً تمام صادرات تنباکو به سمت ترکیه و مصر بود. سپردن امتیاز صادرات تنباکو به شرکتی اروپایی در سال ۱۸۹۲ که تعیین‌کننده بهای این کالا نیز بوده، بحران تنباکو را موجب شد.^{۳۶} بیشتر کالاهای صادراتی به مناطق نزدیک و همجوار صادر می‌شدند اما در این میان تقریباً تمام حجم صادراتی صمغ راهی اروپا می‌شد. پشم ایران هم که از کیفیت مرغوبی برخوردار بوده، مستقیماً به شهر مارسی در فرانسه صادر می‌شد.

– کالاهای وارداتی به منطقه، به‌ویژه از طرف فرانسه

در همان سال‌های اول گشایش نایب کنسولگری فرانسه، پیا برای ارزیابی کالاهای قابل عرضه و تقاضای بازار ایران ترازنامه‌ای تهیه کرد.^{۳۷} پارچه‌های کتان، ظروف شیشه‌ای و چینی، چای، شکر، اسلحه، دارو، قهوه و کنسرو از کالاهای وارداتی فرانسه به ایران از طریق خلیج فارس به‌شمار می‌رفتند. در این میان شکر جایگاهی ویژه داشته و از طریق کشتی از بنادر فرانسوی به بوشهر صادر می‌شد. فرانسه مدت مدیدی تنها کشور صادرکننده شکر به ایران بود. این موقعیت با ظهور رقیبانی چون آلمان و روسیه دیری نپایید و فرانسه از سال ۱۸۹۳ به سختی توانست جایگاه خود را در منطقه نگاه دارد. این در حالی است که بین ایران و روسیه قراردادی به نفع شکر روسیه و فروش آن در بازارهای ایران بسته شد.^{۳۸} تا این تاریخ تنها بازار مناطق شمالی ایران متعلق به روسیه بود و هنوز جایی برای عرضه کالای کشورهای دیگر در جنوب باقی می‌ماند، اما با انعقاد این قرارداد، روسیه بر بازار جنوب هم چیره شد. البته در این باره، گزارش‌های متناقضی در اسناد به چشم می‌خورد. در برخی از آنها چیرگی روسیه بر جنوب ایران را تأیید نکردند.^{۳۹} اما تهدید واقعی برای واردات شکر فرانسه هنگامی رخ داد که شکر مصر راهی بازار ایران شده و چند سال



پس از آن شکر روسیه مجدداً بازار جنوب را اشباع کرد. به همین جهت نمایندگان فرانسوی به دولت و شرکت‌های تولیدکننده شکر تأکید کردند که نماینده و یا واسطه‌هایی جهت ارزیابی بازار به منطقه خلیج فارس اعزام دارند.^{۴۰} با این وجود، شرکت‌ها با اتکاء به فروش مقطعی خود این امر را جدی نگرفته و می‌پنداشتند بازار شکر به آنها اختصاص دارد.^{۴۱} پالایشگاه شکر سن لویی^{۴۲} که می‌توانست به دلیل برخورداری از کیفیت بالا و قدمت تولیدش، فروش مناسبی در بازار ایران داشته باشد، هیچ نماینده‌ای در این رابطه به منطقه ارسال نکرده و میرزا حسین (کفیل وقت نایب کنسولی فرانسه در بوشهر) در گزارشی تأسف خود را در این باره ابراز و تهدید رقابت شدید دیگر کشورها را گوشزد کرد.^{۴۳} وی برای مقابله با شکر مصر و روسیه که در حال اشباع بازار ایران بودند، پیشنهاد کرد تا شرکت سن لویی دفتری در بوشهر تأسیس کرده و نمایندگان فعالی به آنجا ارسال کند تا بدون کمک نمایندگان انگلیسی، با در نظر گرفتن موقعیت بازار، نرخ فروش شکر را تعیین کند. همزمان با این گزارش کشتی روس از آدسا به بوشهر آمده و بار شکر خود را تخلیه کرد.^{۴۴}

با وجود چنین شرایطی انگلیسی‌ها خطر را نه از لحاظ اقتصادی، که بیشتر از جنبه سیاسی احساس کرده و بیمناک بودند که روسیه روش اقتصادی را به مثابه ابزاری برای چیرگی سیاسی بر منطقه به کار بندد.^{۴۵} انگلیس و فرانسه سیاست یکسانی در منطقه ندارند. به همین علت، بیم آنها از نفوذ روسیه هم یکسان نیست. با این وجود، هر دو کشور می‌کوشند تا از منافع خود به نحو احسن دفاع کنند. در همین راستا کوژه^{۴۶} پیشنهاد هماهنگی با روسیه را طرح نمود، مبنی بر اینکه کالاهای فرانسوی از ماریسی به جیبوتی و از آنجا با کشتی‌های روسی به خلیج فارس انتقال یابند و این پیشنهاد در شرایطی است که آمارگیری کالاهای فرانسوی به علت انتقال آنها به وسیله کشتی‌های انگلیسی به بوشهر، به آسانی انجام نشده و علاوه بر آن گمرک این بندر گزارشی را در اختیار نگذاشته تا مبادا درصد سود کلانی که از این راه عایدش می‌شود عیان گردد.^{۴۷}

کالای مهم دیگری که از فرانسه به خلیج فارس انتقال یافت اسلحه و مهمات بوده است. در سال ۱۸۸۹ از ورود اسلحه، جز با ارائه مجوز استثنایی، ممانعت به عمل آمد، اما با همکاری عشایر محلی و دیگر واسطه‌ها، واردات اسلحه به خلیج فارس به طور مستمر ادامه داشت.^{۴۸} هر چند مقصد

اصلی واردات سلاح بوشهر بود، اما به علت غیرقانونی بودن آن، از طریق بندرهای کوچک و فرعی ارسال مهمات انجام می‌گرفت. گزارش‌ها حاکی از توقیف و ضبط بخش عظیمی از واردات اسلحه توسط ملک التجار بود.^{۴۹} اما موانع از چرخش این کالا و حتی تکثیر آن در داخل کشور جلوگیری نمی‌کرد.

- روابط و رقابت مابین نایب کنسولی فرانسه در بوشهر و نمایندگان دیگر کشورها، و مردم بومی

پیشرفت صنعت در قرن نوزدهم باعث تغییر و تحول وسائل نقلیه شد. ارتباطات و حمل و نقل به وسیله کشتی‌های بادی و بخار، راه آهن و از اوایل قرن بیستم، هواپیما، انتقال کالا به منطقه خلیج فارس را تسهیل و تسریع بخشیدند. اما به علت وضعیت جغرافیایی و به ویژه پس از گشایش کانال سوئز و تسریع و شکل‌گیری نظم بیشتر در مسیرهای کشتیرانی، راه دریایی به مثابه گزینه مناسب‌تری برای حمل و نقل، مورد استفاده قرار گرفت.

- پیام‌رسانی یا حمل و نقل دریاییِ مarseille (La Messagerie Maritime de Marseille)
در گزارشی از وزارت بازرگانی مشاهده می‌شود که دفتر بازرگانی مarseille (Chambre de Commerce de Marseille) درصدد بود تا رابطه خود را با سواحل خلیج فارس نظم داده و خط دریایی بین بندر مarseille و بنادر آن سواحل راه‌اندازی کند و از رئیس دفتر خود درخواست کرده در سال ۱۸۹۶، این راه دریایی را بین مarseille، بمبئی، کراچی، مسقط، بندرعباس، بوشهر و بصره به‌طور آزمایشی بگشاید.^{۵۰} فقدان برنامه‌ریزی دقیق و مناسب، این طرح را با مشکلات فراوان مواجه کرد و انتقادات بسیاری از طرف سفرا یا بازرگانان را متوجه این تصمیم ساخت. از نقص در برنامه‌ریزی این طرح می‌توان به یک فروند کشتی که برای مسیر بوشهر و بصره در نظر گرفته شد اشاره کرد که به علت حجم بسیار بزرگ نتوانست در هیچ‌کدام از این بنادر لنگر بیندازد. بدیهی است در چنین وضعیتی، مسیر دریایی بین ایران و عراق تا تدارک کشتی کوچک‌تر دیگری نمی‌توانست از این طرح بهره‌مند شود. پیش از این، به تقاضای مأمورین و سفرای فرانسوی مبنی



بر استقرار نماینده‌ای رسمی از سوی کشور فرانسه در منطقه خلیج فارس اشاره کردیم؛ بر همین اساس «سازمان پیام‌رسانی یا حمل و نقل دریایی ماری» تلاش می‌کرد نماینده‌ای فرانسوی یا ایرانی مستقل را برای خود در بنادر مهم خلیج فارس تدارک ببیند.^{۵۱}

گزارش کاملی از بریووا، نایب کنسول فرانسه در بوشهر، در دسترس است که تمام مذاکرات و تصمیماتی که در مورد راه‌اندازی راه دریایی و کشتیرانی بازرگانی بین ماری و خلیج فارس مطرح بوده، در آن درج شده است.^{۵۲}

– روابط نایب کنسولی فرانسه با نمایندگان و مردم منطقه

روابط اروپایی‌ها و ایرانیان همواره بر مداری دوستانه نچرخیده است. در مقاطعی این روابط روندی بحرانی را پیموده تا بدانجا که برخی از نمایندگان اروپایی مورد حملاتی نیز قرار گرفتند. در سال ۱۹۰۰ خانه مدیر گمرک بوشهر، سیمی^{۵۳} مورد حمله قرار گرفته و در این رابطه نظام‌التجار، که به برانگیختن اشرار متهم شد، را از شهر می‌رانند. دریابگی به علت دشمنی با او، نظام‌التجار را متهم به برهم ریختن نظم شهر از طریق همبستگی با تنگستانی‌ها کرده و به این بهانه با ۱۵۰۰ سرباز، در پی دستگیری آنها راهی تنگستان می‌شوند.^{۵۴}

این مثال نشانگر آن است که دولت مرکزی برای ایجاد نظم و پیاده کردن قوانین در سواحل خلیج فارس با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بود. در مناطق جنوب کشور عشایر از قوانین خود پیروی می‌کردند. در چنین شرایطی، در اختلافات و منازعاتی که بین عشایر و ایلات روی می‌داد و گاه منجر به استفاده از سلاح گرم می‌شد، حتی مأمورین دولتی و یا خارجی‌ها هم مورد حمله قرار می‌گرفتند. یکی از اسناد حکایت از حمله علی‌خان، رئیس یکی از عشایر تنگستانی، دارد که با ۸۰-۹۰ تنگدار در خارج از شهر بوشهر مستقر شده و حملاتی را به درون شهر انجام دادند، که مسئولین و نیروهای دولتی، قدرت جلوگیری از آن را نداشتند.^{۵۵}

موضوع دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، وضعیت بهداشتی و درمانی آن زمان در منطقه خلیج فارس است. اگرچه این موضوع در حوزه مطالعه این تحقیق نمی‌گنجد، اما می‌توان تأثیر رابطه فرانسویان و مردم ناحیه خلیج فارس در زمینه بهداشت را بر اقتصاد و بازرگانی در منطقه،



مورد توجه قرار داد. به‌ویژه پزشکیان فرانسوی همچون دکتر فور^{۵۶} به خلیج فارس فرستاده شدند و در کنار حرفه پزشکی، گزارش‌هایی در مورد بهداشت منطقه ارسال نمودند. مأموریت دکتر فور دیدار از بنادر خلیج فارس و تهیه گزارش از این منطقه بود. به‌دلیل نبود کشتی فرانسوی هنگام ورود او به خلیج فارس و ناکارآمدی کشتی‌های ایرانی (مظفری و پرسپولیس) وی مجبور به مسافرت با کشتی انگلیسی می‌شود. موضوع دیگری که در این‌باره قابل ذکر است آنکه کشتی‌های ایرانی فقط نقش تزئینی برای دولت ایران بازی می‌کردند و هزینه‌ای را هم جهت نگهداری به خود اختصاص می‌دادند، اما بهره‌برداری مفید از آنها امکان‌پذیر نبود.

طبق قراردادی بین‌المللی، منطقه‌ای که برای مبادلات بازرگانی مورد بهره‌برداری است، می‌تواند محل شیوع امراض گوناگونی چون وبا و طاعون نیز باشد و در نتیجه از لحاظ بهداشتی می‌بایست تحت نظر و رسیدگی مستمر قرار گیرد. مأموریت پزشک فرانسوی، دکتر فور، به بنادر خلیج فارس در این راستا صورت گرفت. با گشایش نایب کنسولی فرانسه در منطقه، وضعیت بهداشت و رعایت آن هم از جمله موضوعاتی بوده که در گزارش‌ها به چشم می‌خورد. ساتی در گزارش سال ۱۸۹۵ خود به این قرارداد بین‌المللی اشاره کرده و متذکر شده که مسائل و موارد بهداشتی در آنجا هنوز رعایت نمی‌شود و کشتی‌هایی که از هند به ایران در رفت و آمد هستند مورد تفتیش قرار نمی‌گیرند.^{۵۷}

موضوع دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، گزینش ایرانی‌ها به‌عنوان کارمند سفارت یا نماینده شرکت‌های فرانسوی در منطقه خلیج فارس است که به علت فقدان کارمندان با ملیت فرانسوی و یا در مواردی برای جایگزینی موقت کارمندان فرانسوی به‌کار گرفته می‌شدند. این افراد نسبت به نمایندگان اعزامی فرانسوی، آگاهی بیشتری از منطقه داشته و همچنین مترجمان خوبی برای مأمورین فرانسوی به حساب می‌آمدند. در این‌باره می‌توان به میرزا حسین به‌عنوان مترجم و مدیر کنسولگری فرانسه اشاره کرد که در بسیاری از گزارش‌ها مورد تمجید واقع شده^{۵۸} و بسیاری از گزارش‌های بازرگانی و غیره نیز با امضای اوست.



- روابط نایب کنسولگری فرانسه و رقابت‌ها

انگلیس و روسیه مهم‌ترین رقیبان بازرگانی فرانسه در خلیج فارس و سپس آلمان هستند که رقیب سیاسی آن به حساب می‌آمدند. از میان موارد گوناگونی که موجب رقابت می‌شدند به مسئله راه آهن و واردات شکر به منطقه می‌توان اشاره کرد که در ابتدا به فرانسه اختصاص داشت. به علت موضع بی‌طرفی فرانسه نسبت به رقابت روس - انگلیس در قبال ایران، امتیاز راه آهن به این کشور داده شد. پیش از این امتیاز، قراردادی بین ایران با کشورهای روسیه و انگلیس منعقد شده بود، که طبق آن، راه‌اندازی و استفاده از راه آهن شمال ایران به روسیه و جنوب به انگلیس سپرده می‌شد. راه‌اندازی راه آهن منطقه جنوبی ایران توسط انگلیس، منوط به اتمام راه آهن شمال ایران توسط روسیه بود. از این رو روسیه تمایلی به پیشبرد و اتمام کار در شمال از خود نشان نمی‌داد. این رقابت موجود بین دو کشور روسیه و انگلستان، به نفع کشور فرانسه و بی‌طرفی سیاسی او در این باره به حساب آمد.^{۵۹} بوآتال^{۶۰} امتیاز راه آهن مابین تهران و خلیج فارس را به عهده گرفته و به او اجازه داده شد تا تعداد شاخه‌های راه آهن مورد نیاز برای بازرگانی و صنعت ایران را تعیین کرده و ایجاد و راه‌اندازی کند. همزمان با چنین تصمیمی، اجازه بهره‌برداری از معادنی که به شعاع ۱۰ کیلومتر بر سر راه خط آهن قرار می‌گرفت برای مدت ۹۹ سال به او واگذار می‌شد.^{۶۱} این امتیاز و منافع سرشار آن برای کشور فرانسه، توجه انگلیس، روسیه، آلمان و آمریکا را به خود جلب می‌کرد. امتیاز مذکور از دو جنبه برای فرانسه اهمیت به‌سزایی داشت: در کوتاه مدت، بهره‌برداری از معادن و در دراز مدت، سرعت و سهولت انتقال کالاهای فرانسوی به ایران توسط راه آهن. سفیر فرانسه در تهران، بلووا، از همه جهت امتیاز را مثبت ارزیابی کرد. وی معتقد بود دو طرف معامله راضی بودند و همزمان هیچ برنامه یا مسئله‌ای سیاسی در آن گنجانده نشد. طبق این طرح، این خط آهن، مناطق جنوبی ایران را کمابیش پوشش داده و بندری که در آنها بازرگانی فعال بود را دربرمی‌گرفت و سود آن نیز بالغ بر ۲۰ تا ۳۰ درصد تخمین زده شد. نکته دیگری که در این امتیاز برای فرانسویان حائز اهمیت بود، درخواست از کارمندان بانک فرانسوی کردی لیونه^{۶۲} برای رسیدگی به این پرونده مهم اقتصادی بود. این امتیاز در آینده نیز می‌توانست مزایای فراوانی برای فرانسویان دربرداشته باشد. از این رو انگلیس و روسیه را به

اعتراض واداشته و هرکدام از آنها به طریقی در پی ممانعت از اجرای آن برآمدند.^{۶۳} انگلیس اولین کشوری بود که خلیج فارس را مورد توجه قرار داد و نمایندگان و پایگاه‌های بسیاری را در بنادر منطقه مستقر کرد. پیا، در گزارش ۱۸۸۹ خود، خلیج فارس را منزل شخصی انگلیسی‌ها نام نهاد.^{۶۴} بنادر شرقی ایران به علت نزدیکی با بنادر هند و انتقال کالا و افراد خود، از پایگاه‌های مهم انگلیس به حساب آمد و انگلیسی‌ها بیشتر در آن نواحی متمرکز بودند. بنابراین فرانسه با توجه به امکان پیشرفت خلیج فارس و بندر بوشهر و همچنین برای دوری از انحصار قدرت انگلیس، به مناطق غربی ایران روی آورد. اما پیش از این اشاره شد که به علل گوناگون، کالاهای فرانسوی بیشتر با کشتی‌های انگلیسی به این منطقه راه می‌یافتند و فرانسه در این میان نه تنها برای مبادلات بازرگانی خود از استقلال بی‌برخوردار نبوده بلکه بدین وسیله بر نفوذ و منافع بازرگانی و قدرت انگلیس در منطقه می‌افزود.^{۶۵} رونه در گزارشی از کارشکنی‌های انگلیسی‌ها سخن به میان آورده و متذکر شد که پیش از ایجاد خط کشتیرانی بین ماری و خلیج فارس توسط فرانسه، انگلیس بیشترین تلاش خود را جهت پیشگیری از قدرت فرانسه در منطقه به کار بست.^{۶۶} بدین منظور، برای راه‌اندازی خط کشتیرانی منظم از بنادر غربی هند به خلیج فارس خود را آماده کرده و کشتی‌های بخار که کوچک‌تر و سریع‌تر از نوع بادی آن هستند و با سهولت آب‌های خلیج را درمی‌نوردند را برای اهداف خود در نظر می‌گیرد. این خط کشتیرانی که به مدت ۱۸ روز یک بار در ماه از بمبئی به بصره و در مسیر خود در بنادر مهم توقف می‌کرد، پس از سال اول به جای یک بار دو بار در ماه این راه را می‌پیمود.^{۶۷} این تصمیمات انگلیس در شرایطی صورت گرفته که افزایش قدرت انگلیس در منطقه مورد رضایت مردم منطقه نبوده و آنها به طرق مختلف ناخوشنودی خود را در این باره ابراز می‌کردند.^{۶۸} برای جلوگیری از مخالفت‌ها و مهار بحران‌ها، انگلیس سه مرتبه مجبور به حمله نظامی به مناطق جنوبی شد.^{۶۹}

نه سال پس از فرانسه، آلمان که برای پیشرفت بازرگانی متوجه اهمیت خلیج فارس شد، تصمیم به گشایش کنسولگری در بوشهر گرفت. این اقدام تداخل در منافع فرانسه و آلمان را دربرداشته و رقابت‌هایی را به وجود می‌آورد. نمایندگان فرانسه در بوشهر و دیگر مناطق جنوب فعالیت مأمورین آلمانی را زیر نظر گرفته و در برخی مواقع برای جلوگیری از موفقیت آنها



تلاش‌هایی را نیز سامان دادند.^{۷۰} اصلی‌ترین کالای آلمانی که بنا بود در بنادر جنوب به فروش برسد شکر بود که تا آن هنگام در انحصار فرانسه بود. بر این اساس آلمان و نه انگلیس، نقش رقیب مستقیم فرانسه را ایفا می‌کرد.^{۷۱} به‌ویژه در زمینه دریانوردی آلمان هم تلاش کرد خط مستقیمی از هامبورگ به بوشهر ایجاد و با نپرداختن کرایه باربری توسط کشتی‌های دیگر قیمت کالاهای خود را پایین‌تر از دیگر کشورها به بازار عرضه کند. بر این اساس، از کشور عثمانی، امتیاز راه آهن قونیه، بغداد و بصره را گرفته و برای انتقال کالاهای آلمانی از دو راه زمینی و دریایی دست به کار می‌شود.^{۷۲}

مدت مدیدی بود که همسایه شمالی ایران قدرت خود را در مناطق هم‌مرز اعمال کرده و کمابیش بر بازار منطقه تسلط یافت. با این وجود برای مقابله با انگلیس در منطقه نمی‌توانست از مناطق جنوبی ایران چشم‌پوشد. بدین منظور روسیه برای رسیدن به اهداف خود از طرق گوناگون اقداماتی را در دستور کار قرار داد که از آن میان آنچه حائز اهمیت است، رقابتی با مبادلات بازرگانی فرانسه در زمینه صادرات شکر است. یکی از نمایندگان فرانسه پیشنهاد تقلید از سیاست بازرگانی روسیه را راه حل مناسبی برای حفظ بازار شکر فرانسه در منطقه ارائه داد.^{۷۳} در این‌باره روسیه نماینده‌ای به بوشهر فرستاد تا با بازرگانان منطقه وارد گفتگو شده و آنها را متقاعد سازد تا تنها از شکر روسی استفاده و آن را مستقیماً از نمایندگی روسیه خریداری کنند. در موازات با این اقدامات خط کشتیرانی مستقیمی از آدسا به خلیج فارس افتتاح شد، همچنین در بغداد و در بنادر بوشهر و بصره کنسولگری روسیه گشایش می‌یابد.^{۷۴} در همین رابطه است که نماینده فرانسه پیشنهاد استفاده از موقعیت روسیه و همکاری با این کشور را به دولت متبوع خود مطرح کرد.

۲- قرارداد ۱۹۰۷: قدرت‌ها و روابط آنها

- دوطرف معامله و موقعیت آنها در منطقه

پیش از این متوجه شدیم که یکی از معاملات اصلی فرانسه در خلیج فارس فروش اسلحه است. اما در اوایل قرن بیستم راهزنان دریایی با حمله به کشتی‌های حامل اسلحه، بازرگانی فرانسه را در

این زمینه بسیار متضرر کردند. اسلحه‌ها و تمام مهمات آنها به خوبی به فروش رفت به‌ویژه که آنها را به قاچاقچیان افغان^{۷۵} و یا افرادی فروختند که قصد حمله به پایگاه‌ها و شرکت‌های انگلیسی را داشتند. مراکز تلگراف که مربوط به دولت انگلیس است، به‌طور مستمر مورد حمله قرار گرفت. جو ضد خارجی و به‌خصوص ضد انگلیسی، گروه‌های بسیاری را بر علیه آنها شوراند که هر کدام به دلایلی خواستار راندن آنها از منطقه بودند و در مواقعی این گروه‌ها همدیگر را برای مقابله با دشمن یاری می‌دادند. برکت‌خان که پس از فرار از چنگ انگلیسی‌ها مردم را بر علیه آنها می‌شوراند نمونه‌ای از همین موضوع است، به‌خصوص که چندی بعد کیلومترها سیم تلگراف توسط اشخاصی ناشناس قطع شده و به روابط انگلیس خدشه وارد کرد.^{۷۶} این حمله‌ها از طرفی موجب ترس انگلیسی‌ها شد و از طرفی دیگر برای حمله نظامی به منطقه، بهانه دستشان داد. انگلیسی‌ها با خبرهای اضطراب‌آمیز و ایجاد ترس و وحشت در مردم، اذهان عمومی را آماده کرده، خواستار حمله نظامی به سواحل خلیج فارس شدند. گزارش‌های هریت، نایب کنسول فرانسه در بوشهر در سال ۱۹۱۰ نشانگر این موقعیت است. حتی در برخی مواقع او مأموران انگلیسی را متهم به ایجاد هرج و مرج می‌کند تا به خود اجازه حمله دهند.^{۷۷} نظر هریت بر این است که در رساندن اخبار به عمد و در ناامن بودن راه‌های ارتباطی بین شیراز و بوشهر مبالغه می‌شود. انگلیس برای دفاع از منافع خود همه را تحت نظر دارد و به قول هریت از رسیدن پیام دیگر ملیت‌ها و به‌ویژه روس‌ها از طرف مأموران تلگراف جلوگیری به‌عمل می‌آید و یا پیام‌ها پیشاپیش خوانده می‌شوند. اما مردم به مرور زمان به انگلیس‌ها و اعمالشان شک کرده، به آنها حمله‌ور شدند.^{۷۸} انگلیس برای نگهداری پایگاه خود با برخی از عشایر و افراد وارد مذاکره شد و از وجود آنها برای حمله به مردم استفاده کرد، همچنین ناو بخشی را به نواحی اطراف بوشهر منتقل کرد که آماده یورش باشند. هریت با بازگو کردن سیاست انگلیس و دیگر گزارش‌های مربوط، خطر زیر سؤال بردن استقلال ایران را گوشزد می‌کند.^{۷۹}

عکس‌العمل دولت مرکزی ایران در مقابل حملات و سیاست انگلیس قابل تأمل است. سفیر فرانسه در قسطنطنیه (استانبول) گزارش می‌دهد که دولت مرکزی ایران برای دفاع سواحل جنوب و مقابله با قاچاقچیان به دولت انگلیس اجازه حضور نظامی داد.^{۸۰} اما می‌توان انگاشت که با اخبار



مبالغه‌آمیزی که در بالا به آن اشاره شد انگلیسی‌ها ذهن دولت ایران را هم برای یورش آماده نگاه داشتند.

- مردم بومی و روابط آنها با اروپاییان

در نوشته‌های مختلف برداشت می‌شود که نزد انگلیسی‌ها «آنها [ایرانیان] مردمی قاجاقچی و مزدور هستند». با این وصف می‌توان رابطه‌ای که بین آنها و مردم بومی می‌تواند ایجاد شود را تصور کرد.

دورانی که هم اکنون مورد مطالعه ماست برای ایران و ایرانیان دوران تحول در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. اما آیا تفاوتی بین پایتخت و دیگر مناطق برای قبول و اجرای تحولات وجود دارد؟

راه‌های ارتباطی بین جنوب و تهران از امنیت مستمر برخوردار نیستند، هرچند که راه اصفهان- تهران امنیت نسبی دارد. برای ترویج عقاید و تحولات از تهران به مناطق، در وهله اول باید به راه‌های ارتباطی رسیدگی شود و امنیت آنها را دولت مرکزی می‌بایست در اولویت قرار دهد. به‌عنوان مثال یکی از اسناد سال ۱۹۱۰ در مورد بوشهر این‌گونه وانمود می‌کند که دریابگی مانند دیگر حکمرانان با اعمال زور و فشار مردم را از هرگونه خبر و تحول مشروطیت دور نگه می‌داشت، به‌طوری‌که مردم با معنای مشروطیت آشنایی نداشتند.^{۸۱} اما خوشبختانه بوشهر از دیرباز به دلیل ارتباطات متعدد با دیگر کشورها و ملیت‌ها و همچنین وجود خط تلگراف بیشتر از بقیه مناطق ایران در جریان دگرگونی‌ها است. در ضمن می‌بایست جمعیت شهر و روستا را از هم تفکیک کرد، اولی با همه در ارتباط است و پیشرو اما دومی مجبور به تسلیم در برابر ظلم و زور دریابگی و خان‌ها و رؤسای دیگر است و نمی‌تواند همراه با آخرین اخبار تحول ایجاد کند.

اروپاییان، به‌ویژه انگلیسی‌ها با زیر نظر داشتن افراد بومی و طرفداران خود می‌توانستند سیاست خود در منطقه را به اجرا در بیاورند. این افراد از میان مردم محلی یا مأموران و حکمرانانی که از انگلیسی‌ها و سیاست استعماری آنها به دلایل عقیدتی و یا بیشتر به دلیل منفعت مالی دفاع می‌کردند، انتخاب می‌شدند. خارج از موارد مزدوری، برخی از ایرانیان برای پرداختن

مالیات واردات و صادرات، ملیت خارجی برای خود برمی‌گزیدند. (باید یادآور شد که غیر ایرانیان مالیات کمتری می‌پرداختند) اعمال فشار بر روی مردم و یا وسیله قرار دادن آنها هم از سیاست‌های اروپاییان و به‌خصوص انگلیسی‌ها است. تلگراف سال ۱۹۲۱ که مستقیماً به وزارت امور خارجه فرستاده شد، رئیس محمدعلی تنگستانی را به‌عنوان راهزن و دزد نام برده است. می‌توان نتیجه گرفت که هر فردی که مخالف دخالت اروپاییان و یا سیاست استعماری آنهاست، از او سلب اعتبار می‌شود.

– جایگاه فرانسه در منطقه و نقش آن برای اجرای امضای معاهده

با موارد یاد شده فرانسه با حضور برتر انگلیس در خلیج فارس مواجه است، پس اختلافات خود با انگلیس را در مقابل همکاری و اتحاد می‌بایست به فراموشی بسپارد. در این راستا اسپروک^{۸۲} پیشنهاد صلح اروپایی را داد و خواستار میانجیگری فرانسه برای معاهده ۱۹۰۷ شد و تأکید کرد که دیپلماسی فرانسه باید به نفع استقلال ایران و بیشتر به سود روابط دوستانه انگلیس و روسیه باشد که موقعیت بین‌المللی بستگی به آن دارد.^{۸۳} اما جمیع فرانسوی‌ها با این دیدگاه موافق نبودند و برخی از آنها همچون بارت، انگلیسی‌ها را خودخواه دانسته و نظرشان این بود که فرانسه می‌بایست از موقعیت خود دفاع کرده و جایگاه خود را به راحتی از دست ندهد.^{۸۴}

ابوالحسن غفاری در کتاب خود^{۸۵} به‌خوبی به سیاست این دوره فرانسه در ایران اشاره دارد. وی در مورد معاهده ۱۹۰۷ معتقد است که فرانسه نقش مهمی داشته، و با ایجاد وحدت سه جانبه، روسیه را در مقابل رقیبان تبدیل به متحد خود در اروپا کرده است. همچنین از اوایل قرن بیستم رقابت انگلیس و روسیه به ضرر منافع فرانسه در ایران بوده و اولین خواسته فرانسه پایان بخشیدن به این موقعیت بوده است. پس وزیر امور خارجه وقت دلکاسه، کامیون سفیر فرانسه در انگلیس و بمپارت سفیر فرانسه^{۸۶} در سن پترزبورگ تلاش بر این دارند که با ملاقات و گفتگو با دو طرف معامله رابطه دوستی بین آنها ایجاد شود و معاهده به امضاء برسد. تا ۳۱ آگوست ۱۹۰۷ که معاهده در سن پترزبورگ با حضور وزیر امور خارجه روسیه و سفیر انگلیس در آن کشور امضاء شد، فرانسوی‌ها سعی داشتند خبر پخش نشود. مدنیف (Mednedieff) وزیر امور خارجه



روس، ایران را گرهی می‌داند که اختلافات سه قدرت بزرگ ایجاد کرده‌اند و یکی از آنها باید پیروز از میدان بیرون بیاید.^{۸۷}

پس از معاهده روسیه و انگلیس برای تصمیم‌گیری به فرانسه روی می‌آورند و این باعث پایداری سیاسی بیشتر این کشور در اروپا می‌شود. تغییر سیاست فرانسه در ایران در راستای عقب‌نشینی در مقابل روسیه و انگلیس نیست بلکه به دلیل نزدیکی با آنها و نقشی که در دوستی آنها داشته جایگاهی معتبر برای خود به‌ویژه در مقابل آلمان ایجاد کرده است. این جایگاه مانع از آن نیست که اعمال دیگر اروپاییان و سیاستشان زیر نظر نباشد، چون آنها به فعالیت خود در منطقه ادامه داده و آلمانی‌ها یا انگلیسی‌ها در زمینه نظامی در خلیج فارس پرکار به‌نظر می‌رسیدند.^{۸۸}

- فعالیت اقتصادی و بازرگانی فرانسه در بوشهر: گمرک

ژیرو مورخ فرانسوی در کتاب خود به‌طور خلاصه به سیاست آن زمان و هدف کلی اروپاییان در مورد روابط بین‌المللی اشاره می‌کند و می‌نویسد که هرگاه امکان استقرار یا ایجاد مستعمره در منطقه‌ای نیست باید برای پرداخت هرچه کمتر گمرک تلاش نمود.^{۸۹} پس اروپاییان سقف درصد گمرک را تعیین می‌کردند و حتی گمرک برخی کشورها را در دست خود نگاه می‌داشتند. قرارداد امضاء شده بین اروپاییان و کشورهایمانند ایران و چین این سقف را بین ۵ تا ۱۰ درصد تعیین و از تبادل کالا خارج از این نرخ ممانعت می‌کردند. در مورد بازپرداخت قروض ایران از بانک‌های انگلیسی و روسی، در صورت ناتوانی مالی ایران، معاهده ۱۹۰۷ به دو طرف اجازه پرداخت مستقیم از درآمد گمرک را می‌داد. Imperial Bank of Persia اسماً ایرانی اما تحت نظر انگلیس بود که بدین وسیله می‌توانست بر سیاست ایران اعمال فشار کند.

مبادلات فرانسه با ایران بین سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۱۴ وابسته به راه‌های انتقال و امنیت آنها و سرعت به مقصد رساندن آنها هم یکی از شروط انتخاب راه بود. برای رفتن از بوشهر به تهران، باید از جاده شیراز- اصفهان می‌گذشتند که به گفته یک گزارشگر فرانسوی شصت و دو روز طول می‌کشید، در صورتی که اگر مسافت بوشهر- تهران را از اهواز و راه آبی شط‌العرب بپیماییم این زمان به سی و پنج روز کاهش می‌یابد.^{۹۰} راه آبی به وسیله مهندسين انگلیسی و با کمک مالی و



امنیتی خان بختیاری امکان‌پذیر شد. گزارشگر فرانسوی این راه را نه تنها سریع‌تر بلکه امن‌تر از بقیه ابراز کرده و انتقال کالاها از مارسی به تهران را به مدت شصت روز تخمین زده است. از طرف دیگر قیمت ترابری دریایی در خلیج فارس نسبت به راه زمینی گران‌تر بود و گزارشی از مدیر پست منطقه وجود دارد که حاکی از تأسف اوست که علت کمی استفاده از راه دریایی را گرانی آن می‌داند.^{۹۱}

راه آهن هم اهمیت دارد ولی پیش از این دیدیم که فرانسه نتوانست انحصار ساخت و استفاده آن را داشته باشد. در صورتی‌که از سال ۱۹۰۵ آلمان راه آهن را در کشور عثمانی به راه انداخته و استفاده مالی و بازرگانی زیادی از آن کرد، پس نگاهی به سمت ایران و استفاده از آن منطقه را نیز در سر می‌پروراند.^{۹۲} اما انگلیس به وسیله قوانینی که تعیین کرده تصمیم داشت هرچه بیشتر آلمان را از این قضیه به دور نگاه دارد. فرانسه سیاست متفاوتی را در پیش گرفت و بهترین راه برای پیشبرد اهداف خود را در شراکت با دو قدرت آلمان و انگلیس یافت.

سرشماری‌هایی که سالانه و در مورد کالاهای وارداتی و صادراتی در بوشهر انجام می‌شد به هریت اجازه می‌داد تا گزارشی در مورد کاهش یا افزایش واردات کالاهای فرانسوی بنویسد. برای مثال بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ واردات شکر به این بندر تقریباً نصف شد.^{۹۳} در ایران مصرف شکر رو به افزایش و به دو صورت است، قند، در کنار چای و شکر، که برای استفاده در شربت است. به دلیل مصرف بالای شکر، دولت ایران در اوایل قرن بیستم به فکر تولید آن افتاد. در این دوران هم فروش شکر فرانسه رو به کاهش است و همان دلایل و همان پیشنهادها دوره پیش را می‌توان در اسناد مشاهده کرد. اما این بار پیشنهادی در مورد تغییر در ساخت شکر داده شد که قابل اهمیت است، یکی تغییر در اندازه آن برای جلوگیری از تقلید؛ و پیشنهاد دیگر ساخت کله قند سبک‌تر و با کیفیت متفاوت برای تک بودن در بازار و پایین آوردن قیمت آن. واردات اسلحه و مهمات در اوایل قرن بیستم مهم است و حتی دولت ایران سفارشی را تحویل نمایندگان فرانسوی داد که البته تحویل کالا با مشکل مواجه شد. دوران مشروطیت و پس از آن آشوبی که در ایران ایجاد شده بود احتیاج به اسلحه و مهمات را در این کشور زیاد کرده بود بنابراین ایران بازار مناسبی برای صنعت اسلحه‌سازی فرانسه به‌شمار می‌رفت.^{۹۴} شرکت‌های اسلحه‌سازی فرانسه



همچون شرکت Crouseau با نمایندگان ایرانی در فرانسه مانند اسدالله کردستانی، ارتباط مستقیم داشتند، به سفارش‌های آنها پاسخ می‌دادند و به آنها اطمینان داشتند. اما جنگ جهانی اول احتیاج فرانسه به اسلحه را بالا برد و باعث کاهش صادرات این کالا به ایران شد.

آلمان از سال ۱۹۰۲ مأموران خود را جهت مطالعه موقعیت خلیج فارس و احتیاجات بازار به آنجا فرستاد. برای انتقال کالا، آلمان از خط کشتیرانی کمپانی Hamburg Amerika که برای تسریع از کشتی بخار استفاده می‌کرد، کمک گرفت^{۹۵} و این چنین به صادرات خود نظم داد.

جنگ جهانی اول و سری آشوب‌های آن دوران ایران را واداشت که ژاندارمری تأسیس کرده، مورد استفاده قرار دهد. از این جهت از افسران سوئدی خواسته شد که در ایران فعال باشند و جوانان ایرانی را آموزش دهند. اما سوئدی‌ها به‌عنوان متحدین آلمان و ضد انگلیسی‌ها بیشتر به آشوب منطقه افزودند.^{۹۶} در همان دوران شاهد نزدیکی بین کشورهای هستیم که تا آن زمان رقیب همدیگر بودند ولی اتحاد آنها در اروپا و سیاست آنها در جنگ باعث این دگرگونی شد. فرانسه و انگلیس که از رقیبان قدیمی هستند حالا به متحدین سیاسی تبدیل شده و در زمینه اقتصادی و بازرگانی همدیگر را رعایت کردند. وادالا در گزارشی به کالای «دشمن» (آلمان) اشاره کرده که به خلیج فارس ارسال می‌شد و پیشنهاد کرد کالاهای انگلیسی و فرانسوی را جایگزین آنها کنند.^{۹۷} همچنین از متحدان خود در منطقه خواست تا سفارش‌های خود را به کشورهای دوست تحویل دهند و از خریداری کالای دشمن خودداری کنند. در حالی که آلمان و روسیه درگیر سیاست خود در اروپا و در کشور خود بودند وادالا عقیده داشت فرانسه می‌تواند بازار برخی از کالاها همچون قند و شکر را مجدداً به خود اختصاص دهد.

پس از امضای معاهده روس و انگلیس ۱۹۰۷ ایران کمابیش به دو منطقه جنوبی تحت نظر انگلیس و شمالی زیر نظر روسیه تقسیم شد. جایگاه فرانسه و سیاستی که در پیش داشت مانع از آن شد که در جنوب ایران رقابت خود را با انگلیس ادامه دهد. برعکس حتی به مدت دو سال کنسولگری فرانسه در بوشهر را کلنل کُکس^{۹۸} انگلیسی مدیریت کرد. او حتی برای برپایی جشن ۱۴ ژوئیه همه را به ساختمان کنسولگری دعوت و در مراسم تولد شاه به‌عنوان نماینده انگلیس و فرانسه شرکت کرد.^{۹۹}

انگلیس که همیشه به دنبال بهانه‌ای برای پیاده کردن سربازان خود در سواحل خلیج فارس بود فرصت را مغتنم شمرد و برای پیشگیری از پیشروی آلمان در خاک ایران لشکری از هند به آنجا فرستاد. فرانسه نیز با انگلیس برای مقابله با آلمان، دشمن مشترکشان، همکاری کرد و با وجود اینکه ایران کشوری خنثی شناخته شده بود آن را صحنه جنگ قرار داد و برای حل اختلافات خود از خاک آن استفاده کرد. مردم بومی که مخالف سیاست انگلیس و فرانسه بودند، به آلمان نزدیک شدند و برای به فرجام رساندن اهداف این کشور به او کمک رساندند. برای نمونه در سال ۱۹۱۵، واسموس آلمانی با عشایر و دشمن اصلی انگلیس، رئیس علی دلواری متحد شد و با کمک آنها به منافع انگلیسی‌ها در منطقه حمله کرد.^{۱۰۰} یادآور می‌شویم که از سال ۱۹۰۹ واسموس، کنسول آلمان در خلیج فارس نامیده شد و از همان زمان در راه رقابت با کشتیرانی انگلیس و سیاست انحصاری آنها تلاش بسیار نمود، از همان زمان دشمنی بین واسموس و گُکس پا گرفت.

روسیه که با زیر نظر داشتن مناطق شمالی دیگر نمی‌بایست در جنوب فعالیت می‌کرد، از کنکاش برای بهبود بازرگانی خود دست برنداشت. فرانسه راه تساهل را در پیش گرفت و سعی کرد به جای انتقاد به این وضعیت با روسیه نزدیکی کند و از این راه اهداف خود را جامه عمل بپوشاند.

کشمکش‌های قرن بیستم، اختلافات، رقابت‌های اقتصادی و جنگ جهانی اول تغییراتی در جایگاه فرانسه در ایران و خلیج فارس ایجاد کردند. برخی از فرانسوی‌ها معتقد بودند که باید فرصت را مغتنم شمارند و از این پس فرانسه در زمینه سیاسی هم در منطقه فعال باشد در حالی که با در نظر داشتن موقعیت دلکاسه، ریپوت و پیشون^{۱۰۱} مخالف دخالت سیاسی فرانسه در ایران و در خاور میانه بودند.^{۱۰۲}

نتیجه‌گیری

گشایش نایب کنسولگری فرانسه در بوشهر در سال ۱۸۸۸ برای بازرگانان تکیه‌گاهی ایجاد کرد. فرانسه از مدت‌ها پیش با خلیج فارس در ارتباط بود اما از آن پس و تا قرن بیستم این روابط



پیشرفت چشمگیری یافت. یکی از دلایل این پیشرفت و جایگاه را می‌توان مدیون سیاسی نبودن روابط فرانسه و ایران دانست. بوشهر و سواحل خلیج فارس مناطقی مناسب برای پیشبرد بازرگانی فرانسه به حساب می‌آمدند اما با وجود تلاش فراوان نمایندگان و مأمورانی که به آنجا سفر کردند، از این منطقه استفاده لازم نشد. سیاست فرانسه بیشتر متوجه کشورهای شمال آفریقا و یا آسیای شرقی است و با این نواحی روابط طولانی و آشنایی بیشتری دارد. البته گرمی هوا، شرعی بودن منطقه و امراضی که به دلیل کمبود بهداشت در سواحل خلیج فارس وجود داشت مأموران را دلسرد می‌کرد و بسیاری ناامیدانه برنامه و طرح‌های خود را به دست فراموشی می‌سپردند. همچنین نباید فراموش کنیم که بنای کنسولگری انگلیس در بوشهر در خارج از شهر و در منطقه‌ای سرسبز قرار داشت و همچنین در دوران تابستان و گرمای شدید نمایندگان انگلیسی از ساختمان‌های خود در نواحی شیراز امکان استفاده داشتند. امتیازات یاد شده باعث جلب انگلیسی‌ها و تثبیت آنها در موقعیت خود بود. در حالی که فرانسوی‌ها از مزیت خاصی برخوردار نبودند بنابراین بیشتر از وضعیت آنجا فراری بودند. نمایندگان فرانسوی به‌طور یکسان مأموریت خود را انجام نمی‌دادند، برخی از آنها حتی در محل کار خود حاضر نشده و به منطقه نمی‌رفتند در صورتی که برخی دیگر انجام وظیفه کرده و در پیشرفت بازرگانی و منافع فرانسه بسیار کوشا بودند، از آن میان می‌توان از پیا و وادالا نام برد.

در قرن بیستم هرچند که فرانسه داور و واسط انگلیس و روسیه است تمایلی به داشتن نقش سیاسی ندارد و از جایگاه خود برای پیشبرد اهداف بازرگانی و اقتصادی استفاده می‌کند. بی‌طرف بودن فرانسه و گزارش‌های به‌دست آمده ما را برای مطالعه موقعیت آن زمان خلیج فارس یاری می‌دهد.

به موازات فعالیت بازرگانی فرانسوی‌ها فعالیت‌های پزشکی، فرهنگی و مذهبی هم در منطقه به‌وجود آمد. برای نمونه مبلغ‌های کاتولیک مدارس در این نواحی افتتاح کردند که مطالعه آنها در این مقال نمی‌گنجد.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. ناصرالدین شاه در مجموع سه سفر به اروپا در سالهای ۱۸۷۳، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ داشته است. این سفرها به مدت چهار الی هفت ماه به طول انجامیده است.
۲. از سال ۱۷۹۹، ناپلئون به هندوستان نظر دارد و براین اساس در پی متحد شدن با شاه ایران به منظور لشکرکشی به هندوستان است. در ۱۸۰۷ گاردن به همین منظور برای مذاکره با دولت ایران به این کشور فرستاده شده است.
۳. سیاست روسیه از زمان پتربورگ مبتنی بر تلاش به منظور دستیابی به آبهای جنوب ایران است.
۴. سندی که از سازمان اسناد ملی ایران به دست آمده، به‌خصوص یکی از آنها که به سفارت امور خارجه ارسال شده، به بسته شدن نایب کنسولی فرانسه در بوشهر در ۳۱ آگوست ۱۹۳۴ اشاره می‌کند: N.°240/2-28-10, 11 et 12.
5. Correspondance commercial, Baghdad, 1868-1877, 7 février 1874.
6. *Idem.*, 10 september, 1874.
7. De MARTÈNS, Ch. (Baronne, ancien ministre Résident), LE GUIDE DIPLOMATIQUE: précis des droits et fonctions des agents diplomatiques et consulaires, 1854 et 1866, Paris.
8. L. Pia.
9. Berreby.
10. Berreby J. J., *Le Golfe Persique*, 1959, Paris.
11. *Idem.*, p. 224.
12. F. Sicard.
13. Correspondance commerciale 1868-1877, Bagdad 12 octobre 1868, F. Sicard, Capitaine au long court, envoyé en mission par le gouvernement français, au Consul.
14. L. Bogien.
15. Correspondance commerciale Bagdad, 1868-1877 ; Bagdad, le 17 décembre 1869.
16. P. Charliat, *Trois siècles d'économie maritime française*, 1931, Paris.
17. P. Charliat, *Ibid.*, p.169.
18. Capitaine au long court, envoyé en mission par le ministère de l'agriculture et du commerce français.
۱۹. کشتیرانی از کانال سوئز محدود بود، کشتیهای بخار نسبت به کشتیهای بادی با آسانی بیشتری از آن عبور می‌کردند. در صورتی که کشتی‌سازان فرانسوی کشتی بادی به بازار تحویل می‌دادند.
20. Particuliers français en Perse 1882-1891 ; 29 septembre 1884, Vauvillier, ingénieur de l'École des mines.
21. P. Charliat, *Ibid.*, p.169.
22. La Compagnie des Indes Orientales Française.
23. Correspondance commerciale 1868-1877: Bagdad 4 janvier 1875.
24. Affaires diverses commerciales, Perse 1882-1896, 24A ouverture du Karoun à la navigation européenne, Légation de France, Téhéran 20 février 1889.
25. Balloy.
26. Affaires diverses commerciales, Perse 1882-1896, 24A ouverture du Karoun à la navigation européenne, Légation de France, Téhéran 30 décembre 1889, à Goblet, Ministre des Affaires Etrangères.
۲۷. مخبرالسلطنه، دشتی، *تاریخ اجتماعی اقتصادی ...*، ص ۱۲۵-۱۲۶.
۲۸. همان، ص ۱۲۷.
۲۹. اسناد ملی ایران ۳۲۸ق در دشتی، *تاریخ اجتماعی اقتصادی ...*
۳۰. اسناد ملی ایران: شماره ۴/۵۴/۲، ۴/۳۲/۲، ۴/۳۱/۱ - ۴/۳۱/۱ - ۲۹۵.
31. De Bonnière.
32. Perse 1869-1870, Tome 35, Téhéran le 12 juin 1869, Légation de France en Perse, direction politique N.°38.
33. Perse Questions maritimes 1869-1883, N. 4937, Paris le 15 octobre 1869.
34. Correspondance commerciale, Bagdad, 1868-1877, Bagdad 4 janvier 1875.



35. Correspondance commerciale Bouchir 1889-1901, vice consulat de France à Boushehr 5 juin 1889, N°6, Piat.
36. MAE Série A, sous série Perse, correspondance commerciale Bouchir 1889-1901, Rapport commerciaux année 1894, N°174.
37. Direction des affaires commerciales et consulaires ; Boushehr 23 mars 1889.
38. Affaires diverses commerciales, Perse 1882-1896 ; Routes commerciales en Perse: Perse Sucre ; Paris 30 novembre 1893, Cie d'Arlot de St Saud, à Balloy.
39. Affaires diverses Perse 1882-1896 ; Perse sucre, 10 février 1894.
40. Affaires diverses Perse 1882-1901, Commerce du sucre en Perse, Paris Direction commerciale, 20 décembre 1897.
41. Ministère du Commerce, de l'Industrie, des Postes et des Télégraphes, Direction du Commerce et de l'Industrie, Paris 20 décembre 1901, folios 24 à 26.
42. St. Louis.
43. MAE, Direction des Consulats et des Affaires Commerciales, N. 44, Téhéran le 19 septembre 1900, signé F. Couget, folio 8.
44. Direction des Consulats et des Affaires Commerciales, N.°10, Téhéran, 20 avril 1901, F. Couget.
45. MAE Nantes, communiqué ministériel série E, Bagdad le 7 mai 1901, N.°15, F. Couget.
46. F. Couget.
47. Rapports commerciaux des agents diplomatiques et consulaires de France 1897 Perse, N.°174, Boushehr 13 avril 1895, Santi.
48. Direction des affaires commerciales et consulaires, Boushehr 23 mars 1889, Piat.
49. MAE, Correspondance commerciales Boushehr 1889-1901, rapports commerciaux 1897, mouvement commercial des principaux ports du Golfe Persique, Mirza Hoseyn.
50. MAE, Direction des Consulats et des Affaires Commerciales, note pour Ministre, Paris Août 1898.
51. *Idem*.
52. MAE, Ministère du Commerce, de l'Industrie, des Postes et des Télégraphes, Direction du Commerce, Paris 1^{er} octobre 1900, Bryois.
53. Simais.
54. Perse affaires commerciales: 1897-1903 (juin) ; No 11, Boushehr, 29 septembre 1900.
55. Ambassade de France à Constantinople 1900-1912, Affaires politiques: Mascate et Golfe Persique, Boushehr 24 février 1898.
۵۶. دکتر Faivre در سال ۱۹۰۵ به منطقه آمد و دربارهٔ او مدارک بسیاری در اسناد ایران و فرانسه موجود است.
57. Rapports commerciaux des agents diplomatiques et consulaires de France 1897 Perse, No 174, Boushehr 13 avril 1895, Santi.
58. Affaires diverses commerciales, Perse 1882-1896, La régie de tabacs en Perse. Société du TAMBAC, De MORGAN, Boushehr le 19 et 21 octobre 1891.
59. Affaires diverses Perse 1882-1901, Chemin de fer en Perse, chemin de fer de Téhéran au Golfe Persique.
60. F. Boital.
61. Chemin de fer en Perse, dans Affaires diverses Perse, Balloy ; Téhéran 20 mars 1882.
62. Crédit Lyonnais.
63. Concession Boital, Téhéran 1883.
64. Correspondance commerciale, Perse 1889, Piat.
65. MAE Nantes, Communiqué ministériel série E, N°288, Bagdad 7 mai 1901, Rouet.
66. *Ibid.*, Bagdad le 24 juin 1902, Rouet.
67. Correspondance Commerciale MAE, Bagdad 1^{er} mars 1869.
68. Perse affaires commerciales: 1897-1903 (juin) ; No 11, Boushehr, 29 septembre 1900.
69. Ambassade de France à Constantinople, Affaires politiques, 1^{er} juin 1898, lettre de Téhéran en avril.
70. Légation de France en Perse, Téhéran 4 décembre 1897, Balloy.
71. Affaires diverses Perse 1882-1901, Commerce du sucre ; Paris 20 décembre 1897, Ritol.
72. Légation de France en Perse, Sous Direction des Affaires Commerciales ; N.°33, Téhéran 17 Juillet 1900.
73. Légation de France en Perse, Direction des Consulats et des Affaires Commerciales, N.°45, Téhéran 24 Septembre 1900, F. Couget.



74. MAE Nantes, Communiqué interministériel, série E, N.°288 ; Bagdad 7 mai 1901, Rouet.
75. Direction des affaires politiques et consulaires, sous-direction du Levant ; Perse affaires diverses 1897-1918, Bombay 2 avril 1909, Barret.
76. Ambassade de France à Constantinople (1900-1912) ; les affaires politiques: Mascate et Golfe persique, Mascate 13 octobre 1910 ; consul de Mascate à S. Pichon.
77. AD Nantes, communiqué ministériel série E, N.°288 ; Boushehr 20 février 1910, Héritte.
78. Ambassade de France à Constantinople (1900-1912), Mascate 2 mars 1911 ; M. Jeannier, consul de France à Mascate.
79. Ambassade de France à Constantinople (1900-1912), Boushehr 17 janvier 1911 ; Héritte à Pichon, ministre des affaires étrangères.
80. Ambassade de France à Constantinople (1900-1912), Paris 8 mai 1911 ; les affaires politiques: Mascate et Golfe persique.
81. AD Nantes, communiqué ministériel série E, N.°288 ; Boushehr 20 février 1910, Héritte.
- ۸۲ Sproncke یکی از نمایندگان پاریس و معاون مدیر «کانون فرانسه-ایران» است.
83. "Question persane", Bulletin de l'union franco-persane, décembre 1910-janvier 1911, M. Sproncke.
84. Direction des affaires politiques et consulaires, sous direction du Levant ; Perse affaires diverses 1897-1918, Bombay 8 avril 1911, Ch. Barret.
- ۸۵ غفاری، تاریخ روابط ایران و فرانسه، از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، تهران، ۱۳۳۸.
86. Delcassé, Cambon, Bompard.
87. Perse, travaux publics, mines, chemins de fer 1912 III-36, Paris 15 mars 1912 ; Ministre de guerre au président du Conseil MAE.
88. Perse affaires commerciales: 1903-1918, Boushehr 17 mars 1910, accusé de réception.
89. R. Girault, Diplomatie européenne, Nations et impérialisme 1871-1914, Paris, 1997, p.33.
90. E. Joujou, « La route des Bakhtyaris », *Bulletin de l'union franco-persane*, Déc. 1910-Jan.1911.
- ۹۱ مرکز اسناد ملی ایران، وزارت پست و تلگراف، شماره 2126، تهران ۲۸ فروردین ۱۳۰۵.
92. Ch. Issawi, *The economic history of Iran 1800-1914*, Chicago, 1971, pp.157-158.
93. Perse affaires commerciales: 1903-1918, Boushehr (via Brindisi-Bombay), Héritte à Pichon.
- ۹۴ غفاری، تاریخ روابط ایران و فرانسه، از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۸۸.
- Amfae, Perse ns 12, Armée, Marine, 1897-1911, n.°627, p.67, Paris, le 8 février 1907.
95. Perse, Affaires commerciales N.°40 (II), 1903-1918, vice consulat de France à Boushehr, 16 avril 1908.
96. Perse, Armée-Marine II: 1912-1916, Paris 23 mars 1915, note pour le Ministre.
97. Perse Affaires commerciales II N.°40, Bouchir le 8 mars 1916, N°8 Vadala à Briand.
98. Colonel R. Cox.
- ۹۹ مرکز اسناد ملی ایران، نایب کنسولگری فرانسه در بوشهر:
- N.°43, Boushehr 11 juillet 1912, N.°35, Boushehr 31 juillet 1913, Lieutenant colonel R. Cox à Mas'ud al-Sultân le délégué du Ministre des affaires étrangères.
100. Perse, Armée-Marine II: 1912-1916, Boushehr 20 mars 1915, Vice-consulat de France, Direction des affaires politique et commercial, Vadala.
101. Délcassé Ribot Pichon.
102. *Idem.*; cf. Vadala à Briand, Bouchir, le 13 juin 1916, AMAEF, NS, Perse, Vol.20, N.18, F.157.

منابع

اسناد

- اسناد وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس و نانت

- Affaires divers politiques: 1815-1896.
- Affaires diverses – pays étrangers Perse 1882-1901.



- Annuaire diplomatique.
- Armée – Marine (1897-1916).
- Bouchir 1889-1901.
- Chambre de Commerce français à l'étranger 1896-1901.
- Constantinople – Perse.
- Constantinople: Répertoire numérique des archives de l'ambassade de France à Constantinople: 1830-1913.
- Correspondance avec les Echelles.
- Correspondance Commerciale: Nouvelle Série.
- Correspondance consulaire et commerciale 1793-1901.
- Correspondance de la sous direction commerciale/ affaires diverses, antérieurs à 1902.
- Correspondance politique et commerciale 1897-1918, Perse Nouvelle Série.
- Direction des affaires politiques et consulaires (sous direction du Levant).
- Etat civil – Postes (Poste: Bouchir) 1902-1934.
- Etat de versement des archives du consulat de France à Bombay 1873-1964.
- Inventaire des archives rapatriées de l'ambassade de France en Iran – Téhéran 1708-1970.
- Les archives du Ministère des Affaires Etrangères, Nantes: Archives diplomatiques:
- Les archives du Ministère des Affaires Etrangères, Paris (quai d'Orsay):
- Négociations commerciales 1811-1906.
- Négociations et affaires commerciales.
- Particuliers européens en Perse (les français).
- Perse: affaire diverses 1897-1918.
- Perse: correspondances (1806-1901).
- Perse: Questions maritimes.
- Questions économiques et financières.
- Téhéran (avant 1917).
- Téhéran 1887-1890.
- Travaux publics (Chemin de fer, Mines).

- مرکز اسناد ملی ایران.

- مرکز بوشهرشناسی.

کتابشناسی

- افشار، ا؛ نگاهی به بوشهر: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی استان بوشهر، ۱۳۶۹.
- بیات، ک؛ جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر): ۱۳۳۳-۱۳۳۹ق/ ۱۹۱۴-۱۹۲۱، بوشهر، ۱۳۷۳.
- _____؛ اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، مرحله اول: ۱۳۳۳-۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۵-۱۹۱۶، مرکز بوشهرشناسی و همایش، ۱۳۷۷.
- جلیلی، ن؛ سیاست بریتانیا در خلیج فارس: بررسی غائله شیخ خزعل، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۷۹.
- حمیدی، س-ج؛ بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل المتین، مظفر)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
- _____؛ «بستر جغرافیایی قیام جنوب ایران» در رئیس علی دلواری: مجموعه مقالات، قیام جنوب در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۳، ص ۱۱-۲۲.
- خیراندیش، ع. ر؛ «زمینه‌های ارادی و اقتصادی قیام ضد استعماری مردم بوشهر، تنگستان، دشتی و دشتستان» در رئیس علی دلواری: مجموعه مقالات، قیام جنوب در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰-۲۰۲.
- دشتی، ر؛ تاریخ اقتصادی-اجتماعی بوشهر در دوره قاجار به تکیه بر نقش تجار و تجارت، تهران، پازینه، ۱۳۸۰.



- سدیدالسلطنه بندرعباسی، اقتداری؛ سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، تهران، جهان معاصر، ۱۳۷۱.
- غفاری، ع.؛ تاریخ روابط ایران و فرانسه: از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول (۱۳۱۳-۱۳۳۳ق)، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- کریملو، د.؛ تاریخ میراث ملی: جلد اول (هیئت فرانسوی ۱۳۱۵-۲۹/۱۸۹۷-۱۹۱۱)، تهران، اداره انتشار اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.
- کُکس، پ. (سر)، ترجمه زنگنه و مشایخی، گزارش‌های سالیانه سر پرسی کُکس سرکنسول انگلیس در بوشهر ۱۳۲۹-۱۳۳۳ق/۱۹۰۵-۱۹۱۱، مرکز مطالعات بوشهرشناسی، ۱۳۷۷.
- مشایخی، ع.؛ «استعمار بریتانیا و اهداف آن در خلیج فارس و جنوب ایران» در رئیس‌علی دلواری: مجموعه مقالات، قیام جنوب در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۳، ص ۲۳-۴۶.

Bibliographie

- AUBIN, E., La Perse d'aujourd'hui: Iran-Mésopotamie, Paris, librairie Armand Colin, 1908, 434p.
- BAST, O., Les allemands en Perse pendant la première guerre mondiale: d'après les sources diplomatiques françaises, 1997, Téhéran, Peeters et Institutions d'études iraniennes.
- BEMONT, F., Les villes de l'Iran, les cités d'autrefois à l'urbanisme contemporain, Paris, 1969, (2 tomes) I: 302p. ; II: 374p.
- BERARD, V., Révolution de la Perse, Paris, 1910, 368p.
- BERREBY, J.J., Le Golfe Persique, Paris, Payot, 1959, 224p.
- CHARLES, S.J., Les luttes d'influence dans le Golfe Persique, Bruxelles, Librairie Albert Dewit, 1907, 56p.
- CHARLIAT, P., Trois siècles d'économie maritime française: 1631-1931, Paris, 1931.
- CONAN, J., La dernière Compagnie française des Indes 1785-1875, Paris, Librairie des sciences politiques et sociales Marcel Rivière et Cie, 1942, 242p.
- DUBY, G., Histoire continue, Paris, Edition Odile Jacob, 1991, 221p.
- GIRAULT, R., Diplomatie européenne: Nations et impérialismes 1871-1914, Paris, Armand Colin, 1997, 3e édition, 286p.
- HABIBI-RAHNEMA, M., Une suite d'occasions manquées: La carence d'une diplomatie ou son application 1907-1938, Thèse de l'Institut d'Etudes politiques de Paris, 2000.
- HAUDERE, Ph., LE BOUÉDEC, G., MEZIN, L., Les Compagnies des Indes, Renne, Ouest-France, 2003, 143p.
- HAUDRERE, Ph., La compagnie des Indes XVIIIe siècle (1719-1795), Paris, Librairie de l'Inde éditeur, 1989, 1288p.
- ISSAWI, Ch., The economic history of Iran 1800-1914, the university of Chicago press, Chicago and London, 1971, 405p.
- KEDDIE, N., Iran under the later Qājars 1848-1922, The Cambridge history of Iran, p. 174-213.
- LAURANT, A., Etude sur les ports d'Iran, Nations Unies Programme d'Assistance technique, préparé pour le gouvernement de l'Iran, New York, 1954.
- LORIMER, J.G., Gazetteer of the Persian Gulf, Omân and Central Arabia, India, C.I.E indian civil service, Calcutta superintendent gouvernement printing, ?, vol. II (Geographical and statistical ; Bûshehr peninsula, pp. 330-350 ; Kârûn, pp.982-993 ; Persian coast of the Persian Gulf, pp. 1455-1468 ; Tangistân, pp. 1859-1870).
- MARTENS, Ch. (Baron de), Le guide diplomatique: précis des droits et fonctions des agents diplomatiques et consulaires, Paris, Leipzig, F-A BROCKHAUS, 1854-1866, 300p.
- MATRAT, J., Histoire des relations Franco-anglaises, Paris, Nouvelles éditions latines, 1953, 125p.
- MEZIN, A., Les consuls de France au siècle des Lumières (1715-1792), direction des archives et de la documentation MAE, Paris, Imprimerie Nationale, 1995, 973p.



- MILZA, P., Les relations internationales de 1871 à 1914, Paris, Armand Colin, 2e éd. 1995, 156p.
- RENOUVIN, P., DUROUSELLE, J-B., Introduction de l'Histoire des Relations Internationales, Paris, 1991, 527p.
- SALESSE, B., Journal de voyage en Europe (1873) du shâh de Perse, NÂSER ED-DIN SHÂH QÂJÂR, Paris, Sindbad, 2000, 311p.
- SYKES, Ch., titre en anglais, trad.fr. VOCHELLE A-F., Wassmuss ; Le Laurence Allemand (ses aventures en Perse pendant la guerre mondiale), Paris, Payot, 1936, 253 p.
- THOBIE, J., Les intérêts économiques, financières et politiques français dans la partie asiatique de l'Empire Ottoman de 1895 à 1914, thèse Université de Paris I, 1973, 3 tomes.
- VADALA, R., Le Golfe Persique, Paris, Rousseaux et Cie Editeurs, 1920, 151p.
- WILSON, A. (Sir), trad. SA'IDI, M., Khalij-e fârs, Tehrân, 1348.
- "Le Golfe Persique", Questions diplomatiques et coloniales, revue de politique extérieur, 5e année, tome XI (1901), p.129-146.